مردانى که نه تجارت و نه داد و ستدى، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمى‌دارد، و از روزى که دلها و دیده‌ها در آن زیرورو مى‌شود مى‌هراسند. (37) تا خدا بهتر از آنچه انجام مى‌دادند، به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید، و خدا[ست که‌] هر که را بخواهد بى‌حساب روزى مى‌دهد. (38) و کسانى که کفر ورزیدند، کارهایشان چون سرابى در زمینى هموار است که تشنه، آن را آبى مى‌پندارد، تا چون بدان رسد آن را چیزى نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زودشمار است. (39) یا [کارهایشان‌] مانند تاریکیهایى است که در دریایى ژرف است که موجى آن را مى‌پوشاند [و] روى آن موجى [دیگر] است [و] بالاى آن ابرى است. تاریکیهایى است که بعضى بر روى بعضى قرار گرفته است. هر گاه [غرقه‌] دستش را بیرون آورد، به زحمت آن را مى‌بیند، و خدا به هر کس نورى نداده باشد او را هیچ نورى نخواهد بود. (40) آیا ندانسته‌اى که هر که [و هر چه‌] در آسمانها و زمین است براى خدا تسبیح مى‌گویند، و پرندگان [نیز] در حالى که در آسمان پر گشوده‌اند [تسبیح او مى‌گویند]؟ همه ستایش و نیایش خود را مى‌دانند، و خدا به آنچه مى‌کنند داناست. (41) و فرمانروایى آسمانها و زمین از آنِ خداست، و بازگشت [همه‌] به سوى خداست. (42) آیا ندانسته‌اى که خدا[ست که‌] ابر را به آرامى مى‌راند، سپس میان [اجزاء] آن پیوند مى‌دهد، آنگاه آن را متراکم مى‌سازد، پس دانه‌هاى باران را مى‌بینى که از خلال آن بیرون مى‌آید، و [خداست که‌] از آسمان از کوههایى [از ابر یخ‌زده ]که در آنجاست تگرگى فرو مى‌ریزد؛ و هر که را بخواهد بدان گزند مى‌رساند، و آن را از هر که بخواهد باز مى‌دارد. نزدیک است روشنىِ برقش چشمها را بِبَرَد. (43)